

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: زیبگنیو برژینسکی*
فرستنده: فرید پرواز
۰۵ فبروری ۲۰۱۵

دوران عقب نشینی



با حمله روسیه به اوکراین و الحاق کریمه، از هم گسستن مرزهای سوریه و عراق و عزم روزافزون چین در دریای جنوب و شرقی چین، به نظر می رسد دوره پساجنگ سرد در سال ۲۰۱۴ پایان یافته است. آیا این تلقی درست است؟ عصر پساجنگ سرد واقعاً «عصر» نبود بلکه گذاری تدریجی از جنگ سرد دوجانبه به نظم بین المللی پیچیده تری بود که - در تحلیل نهایی - همچنان مشتمل بر دو قدرت بزرگ جهانی است به طور خلاصه، محور قطعی نظم جدید شامل امریکا و چین است. رقابت چین - امریکا شامل دو واقعیت مهم است که آن را از جنگ سرد متمایز می سازد: هیچ کدام از این دو کشور در جهت گیری های خود به شدت ایدئولوژیک نیستند و هر دو طرف درک می کنند که به راستی نیازمند تعامل متقابل هستند. چرخش فرضی اوباما به سوی آسیا با بحران اوکراین و خاورمیانه دچار عقبگرد شد. تا چه حد ابهام درخصوص تعهد امریکا در آسیا باعث تنش میان چین و متحدان آسیایی امریکا شده است؟

من با فرضیه این سؤال مخالفم. فکر می کنم امریکا کاملاً روشن کرده که این به نفع امریکا و چین است که از وضعیتی که در آن، آنها به سوی اصطکاک می روند اجتناب کنند. نشانه های اخیر در مورد گفت و گوی اولیه میان چین و هند و میان چین و ژاپن نشان می دهد چین هم متوجه شده که افزایش ناراضیاتی قدیمی به نفعش نیست. مشکل جدی تر با «چرخش به سوی آسیا» نوع بیان و جمله بندی اش بود که متضمن رستی نظامی بود که برای «مهار» یا «انزوای» چین طراحی شده است. چینی ها به شکل آشکارتری فهمیده اند که ما به عمد به دنبال انزوای

آنها نیستیم بلکه نفع ما در اجتناب از اصطکاک در شرق دور است که می تواند موجب گسترده تر شدن این اصطکاک شود .

«شی جین پینگ» از جنگ خود با فساد برای تمرکز بیشتر قدرت در دستان خود نسبت به سایر رهبران چین از دوران دنگ شیائوپینگ به بعد استفاده کرده است تحول در ریاست جمهوری «شی» چگونه است؟

قدرت در چین تا حدودی به طور غیررسمی تعریف شده است و محدودیت های آن بیشتر با واقعیت های سیاسی مشخص می شود تا ترتیبات قانون اساسی . به همین دلیل دشوار است بگوئیم که آیا قدرت «شی» بیشتر از سایر رهبران چین از دوران «دنگ» به بعد است یا خیر . او بی تردید یک شخصیت معتبر است و بدون شک در عرصه بین المللی فعال تر از برخی پیشینیان خود است . او همچنین در حمله به فساد رو به رشد که تبدیل به یک منبع اصلی ضعف داخلی شده و حتی به بالاترین سطوح دولت هم رسیده ، قاطع تر بوده است . در این رابطه، ممکن است استدلال شود که قدرت او بسیار گسترده تر از پیشینیانش است اما باید منصفانه گفت که الگوهای فساد که پیشینیانش با آن مواجه بودند به اندازه سال های اخیر حاد و گسترده نبوده است .

در عین حال، تأکید روزافزون مجلات حزبی بر این فرضیه که نیروهای مسلح چین باید به عنوان خدمتگزاران حزب کمونیست -و نه فقط خدمتگزاران ملت - دیده شوند ظاهراً نشان از این نگرانی دارد که ارتش علاوه بر ابراز وجود در مسؤولیت هایش درخصوص مسائل امنیت ملی ممکن است نگاه خاص خود به مسائل داخلی چین را داشته باشد . نخبگان حزبی -به شکلی کاملاً قابل درک -این را اطمینان بخش نمی بینند .

آیا رژیم پوتین در روسیه می تواند در برابر یک دوره طولانی از قیمت پائین انرژی و تحریم های غرب مقاومت کند؟ اگر اقتصاد روسیه افول خود را ادامه دهد و پوتین نتواند پایگاه سیاسی خود را تقویت کند فکر می کنید چه خطراتی بروز خواهد کرد؟

البته این خطر وجود دارد که در مراحل پوتین ممکن است طوفان به پا کرده و یک بحران بین المللی درست و حسابی را به وجود آورد و شاید ممکن است یک جور هائی شکل جدیدی از جنگ میان شرق و غرب را تسریع کند . اما باید گفت که او تا حدی خودش نامتعادل است و از یک نوع جنگ چریکی علیه غرب (با احتمال عقب نشینی مداوم) به جنگی تمام عیار روی آورده است . نتیجه، ذاتاً غیرقابل پیش بینی خواهد بود اما احتمالاً در هر صورت برای سلامت و رفاه روسیه بسیار مخرب است .

اگر اقتصاد روسیه همچنان رو به افول برود و اگر غرب موفق به پیشگیری از استفاده بیشتر پوتین از زور شود، هنوز هم قابل تصور است که برخی از راه های حل قابل قبول (که من در صحبت از الگوی فنلاند آشکارا آن را توصیه کردم) ممکن است به دست آید . اما این به نوبه خود به پایداری غرب در حمایت از تلاش های اوکراین برای ثبات بخشیدن به خود بستگی دارد .

پس از خروج نیروهای امریکائی از افغانستان و عراق، بسیاری از کشورهای جهان اکنون ایالات متحده را در یک دوره «عقب نشینی»، شبیه عصر پس از جنگ ویتنام، می نگرند . آیا ایالات متحده به دنبال در آغوش کشیدن شکلی از «انزوای طلبی جدید» است؟ یا درونگرایی آشکار امریکا همچون درونگرایی پس از ویتنام کوتاه خواهد بود؟

باور نمی‌کنم که ایالات متحده در یک «دوره عقب نشینی» باشد. واقعیت این است که باز توزیع قدرت جهانی وضعیتی را خلق کرده که در آن ایالات متحده دیگر تنها قدرت مسلط نیست. ایالات متحده باید این واقعیت را اذعان کند که وضعیت جهان در حال حاضر بسیار پیچیده است. گسترش درگیری در سراسر خاورمیانه در حال حاضر بیشتر به دلیل افزایش فرقه‌گرایی مذهبی است تا مداخله آمریکا. در این شرایط بی‌ثبات، توجه بیشتری باید به منافع ملی کشورهایمانند ترکیه، ایران، عربستان سعودی و مصر شود. در همین راستا، نباید اجازه داده شود که منافع هر یک از آنها تبدیل به منافع کلی آمریکا شود.

چه چیزی ممکن است جهان را در سال ۲۰۱۵ بیشتر شگفت زده کند؟

شاید ظهور تدریجی یک طبقه متوسط لیبرال در روسیه که به لحاظ سیاسی جسورتر است. این طبقه متوسط شروع به ایفای نقشی مهم‌تر در دوران مدودف در شکل دادن به سیاست داخلی و بین‌المللی روسیه کرد. با بازگشت پوتین به قدرت و ماجراجویی اخیرش، این طبقه با یک شوونیسم ملی که به شدت تحریک شده و عمداً بیدار شده به کنار گذاشته شد. با این حال، تکان دادن پرچم شوونیستی ممکن است بهترین راه حل برای برخورد با مشکلات بین‌المللی نباشد به ویژه اگر غرب هوشمند و متحد باشد. طبقه متوسط روسیه - کاملاً به طور طبیعی - خواستار زندگی در جامعه‌ای شبیه به اروپای غربی است. روسیه‌ای که به تدریج شروع به جذب شدن به سوی غرب کند روسیه‌ای خواهد بود که دیگر در نظام بین‌المللی اخلاص نمی‌کند.

*یادداشت «دوران عقب نشینی» توسط برژینسکی تألیف و در نسخه اصلی به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است.

* مشاور سابق امنیت ملی آمریکا

منبع:

روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۴۱۰ به تاریخ ۹۳/۱۱/۱۳، صفحه ۲ (خبر)